

چگونگی و چرایی تفاوت رفتار امام صادق علیه السلام در برابر

عملکرد همگون حریر سجستانی و ابن نجاشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

علی رضا حیدری نسب^۱
مهدی بیات مختاری^۲
محمد باقر حیدری نسب^۳

چکیده

حریر بن عبدالله و عبدالله بن نجاشی از صحابیان والامقام امام صادق علیه السلام، در «سجستان»، درواکنش به ناسزاگویی خوارج به امام علی علیه السلام، تعدادی از آنان را کشتند. امام صادق علیه السلام در برابر این اقدامات مشابه، «حریر» را از خود دور ساخت که حاوی تخطئه و تنبیه اوست و «ابن نجاشی» را پذیرفت و رفتارش را تصحیح نمود. پژوهش فرارو دنبال پاسخ به چگونگی و چرایی این موضع‌گیری متفاوت است. درباره جرح یا توثیق این راویان، در منابع روایی، رجالی و برخی مجلات تخصصی، نکاتی آمده است؛ اما درباره چرایی تفاوت رفتار امام صادق علیه السلام، مقاله‌ای یافت نشد. بررسی و تحلیل اخبار مرتبط، نشان می‌دهند که حمل روگردانی امام علیه السلام از حریر بر تقیه بی‌وجه نیست. همچنین گرچه حکم اولیه سب‌کننده امام علی علیه السلام، قتل اوست، لکن اجرای این حکم، مستلزم اذن معصوم علیه السلام و پیش‌بینی پیامدهای آن است که رعایت این جهات، به ویژه از اصحابی در تراز حریر انتظار می‌رفته است؛ اموری که در شرایط متفاوت و درباره افرادی چون ابن نجاشی مورد انتظار نبوده است. کلیدواژه‌ها: امام صادق علیه السلام، دشمنی اهل بیت علیهم السلام، حریر بن عبدالله، عبدالله بن نجاشی، خوارج.

۱. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) (heydarynasab43@theo.usb.ac.ir).
۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه نیشابور (bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir).
۳. دانش آموخته ارشد کلام اسلامی و معاون نهاد نمایندگی در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد زاهدان (mbhnasab@gmail.com).

حریر بن عبدالله سجستانی و عبدالله بن نجاشی از اصحاب برتر امام صادق علیه السلام هستند. با توجه به این که نصب اهل بیت علیهم السلام، از جمله دشنام به امام علی علیه السلام کفر و سبب هدر بودن خون است، ایشان هنگام مواجهه با سب خوارج در سجستان به حکم مهدوریت خون نواصب عمل کردند. آنان پس از ارتکاب قتل برخی از خوارج به جرم مذکور در محضر امام صادق علیه السلام حاضر شدند. امام علیه السلام از پذیرش حریر خودداری و بلکه او را از خود دور نمود و به این صورت ظاهراً او را تنبیه کرد و عبدالله بن نجاشی را به حضور پذیرفت و رفتارش را تصحیح نمود. چرایی تفاوت رفتار امام صادق علیه السلام با این دو صحابی و درباره جرم مشابه، موضوع تحقیق حاضر است.

درباره جرح یا توثیق این راویان پاره‌ای مطالب در منابع روایی و رجالی شیعه وارد شده است. در دوره معاصر درباره وثاقت حریر بن عبدالله و مسأله ارسال روایات او دو مقاله تخصصی توسط آقایان بیات مختاری و همدانی نگاشته شده است؛ اما درباره ابن نجاشی و چرایی تفاوت رفتار امام صادق علیه السلام با این دو، آن گونه که موضوع مقاله حاضر است، نوشته‌ای یافت نشد.

فرض آن است که گرچه حکم اولیه دشنام‌گوبه امام علی علیه السلام هدر بودن خون اوست، لکن اجرای این حکم مستلزم بررسی موقعیت اجراکنندگان، پیش‌بینی پیامدهای آن و استیذان از معصوم علیه السلام است که این امر مخصوصاً از عالمانی چون حریر انتظار می‌رفته است؛ اموری که در شرایط متفاوت و درباره افراد متوسط و بی‌ارتباط با امامان علیهم السلام، مانند ابن نجاشی مورد انتظار نبوده است.

۲. حریر بن عبدالله سجستانی

ابو عبدالله یا ابو محمد حریر بن عبدالله سجستانی از اصحاب صادقین علیهم السلام و از فقهای تراز اول مکتب تشیع است. او مطابق برخی از گزارش‌ها فرزند عبدالله بن حسین کوفی است که از مشایخ شیعه بوده در سجستان منصب قضا داشت و تا آخر عمر در آن سامان ماند.^۱ بعضی از بزرگان رجال شیعه، چون برقی و کشی حریر را کوفی آزادی و عرب گفته‌اند که به دلیل مسافرت زیاد به سجستان و رهبری دینی مردم آن منطقه سجستانی خوانده شد. برخی

۱. الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۲۸۹؛ إكمال الكمال، ج ۲، ص ۸۶؛ تاج العروس، ج ۸، ص ۴۶. عبدالله بن بلال اشعری در شعبان سال ۱۱۱ هجری به ولایت‌داری سیستان رسید و ابوحریر عبدالله بن حسین را به منصب قضای سیستان گماشت (تاریخ سیستان، ص ۱۲۷).

دیگراورا مولی اُزد به حساب آورده‌اند که محتمل است در اصل سجستانی یا کوفی تبار سجستانی مقام باشد.^۱ مولی بودن حریز و قاضی بودن پدرش در سجستان احتمال سجستانی بودن او را تقویت می‌کند.^۲

حریز - که در فقه اهل بیت (ع) سرآمد و از جمله در جریان گفتگوهای فقهی مردم سجستان با امام صادق (ع) شاهد دیدار بوده است^۳ - با ابوحنیفه مناظره داشت.^۴ وی - که رهبر مذهبی سجستانیان بود - در جریان مبارزه با خوارج در سجستان به شهادت رسید. شیخ مفید نوشته است:

حریز بن عبدالله به سجستان رفت و در آنجا به قتل رسید. سبب، آن بود که او یارانی فرمان‌بردار داشت و بیشتر مردم سجستان از خوارج بودند. یاران حریز از آنان نسبت به امام علی (ع) ناسزا می‌شنیدند و به وی خیر داده، اجازه قتل ناسزاگویان را خواستند. حریز هم به آن‌ها اجازه داد. خوارج می‌دیدند که یکی پس از دیگری از آن‌ها کشته می‌شود. آنان به شیعیان به دلیل کمی تعدادشان گمان نمی‌بردند. انتقام کشته‌های خود را از مرجئه می‌گرفتند و با آن‌ها می‌جنگیدند. مدتی چنین گذشت تا در ادامه به واقعیت امر پی برده و شیعیان را دنبال نمودند. دوستان حریز در مسجد، اطراف او جمع شدند و خوارج - که مترصد حضورشان در مسجد بودند - [مسجد را بر سرشان خراب و] خاک آن را زیر و رو نمودند. خداوند بر آنان رحمت فرستد!^۵

در تبیین گزارش فوق باید گفت که شواهدی چون تعلقات خاطر عمیق سجستانیان به اهل بیت (ع) از قبیل خودداری آنان از سب امام علی (ع)، قیام زود هنگام علیه امویان پس از جریان کربلا و یا ضرب سکه به نام اهل بیت (ع) اطلاق و عمومیت سخن شیخ درباره غلبه جمعیتی خوارج در سجستان را با تأمل روبه‌رو می‌کند. شاید مراد از سجستان در بیان شیخ، ناحیه‌ای از آن سامان بوده است که حریز در آن جا به پیکار با خوارج فتوا داده است؛ به ویژه با آن که سجستان گاه بر کل اقلیم و گاه بر مرکز آن، چون زرنج اطلاق شده است، این احتمال

۱. رجال البرقی، ص ۴۱؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۱؛ فهرست الطوسی، ص ۱۱۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۴؛ رجال ابن داوود، ص ۷۲ و ۲۳۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۴۹.

۲. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۸۹؛ إكمال الکمال، ج ۲، ص ۸۶، ۵۶۹؛ ج ۶، ص ۲۲۰.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۲۵۳.

۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۱؛ الإختصاص، ص ۲۰۶.

۵. الإختصاص، ص ۲۰۷.

تقویت می‌شود.^۱

با آن‌که حریز در میدان علم و عمل کارنامه روشنی داشته است، رجال شناسان درباره عملکردش اختلاف کرده‌اند. برقی، کشی و نجاشی از تصریح به وثاقت حریز خودداری نموده‌اند؛ با این تفاوت که کشی و نجاشی به جرح او گراییده‌اند. کشی خبر فضل بقباق را مبنی بر عدم پذیرش حریز از سوی امام صادق علیه السلام نقل کرده است و نجاشی از این‌که وی پس از قتال با خوارج مورد طرد امام علیه السلام واقع شد، گفته است.^۲

مطابق برخی روایات، ابوالعباس بقباق^۳ برای پذیرش حریز از سوی امام علیه السلام مکرر وساطت کرد و امام علیه السلام علاوه بر نپذیرفتن وساطت، واسطه را نیز توبیخ نمود.^۴ در برابر، برخی از بزرگان رجال شیعه حریز را ثقه دانسته‌اند. شیخ طوسی به وثاقت حریز تصریح نموده است. حلی و ابن داوود، ضمن اشاره به وجود ابهام در خبر نپذیرفتن حریز از سوی امام علیه السلام به توثیق وی گراییده‌اند.^۵

اردبیلی پس از بررسی تفصیلی روایات و راویان حریز، جرح وی را ناوارد دانسته و نوشته است:

امام صادق علیه السلام احتمالاً ایام اندکی وی را رانده و در ادامه بخشیده باشد.^۶

خویی نیز ضمن نقل دیدگاه‌های مختلف نوشته است:

با آن‌که روایت نپذیرفتن حریز، صحیح و دلیل بر گناه وی است، اما نافی عدالت او نیست؛ زیرا مطابق شواهد، گناهی با توبه زایل شد. کثرت روایت او از امام صادق علیه السلام - که باید بخشی از آن روایات پس از مقطع نپذیرفتن، اخذ شده باشد - دلیل بر پذیرش وی توسط امام علیه السلام و وثاقت اوست.^۷

حریز از صادقین علیهم السلام و اصحاب ایشان چون ابان بن تغلب، زرارة بن اعین و محمد بن مسلم روایت کرده است و جمعی از راویان تراز اول شیعه چون عبدالله بن مسکان، ابان بن عثمان، محمد بن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن از او روایت دارند.^۸

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰؛ تاریخ سیستان، ص ۱۲۷؛ سکه‌های ایران در دوره اسلامی تا برآمدن سلجوقیان، ص ۱۲۸.

۲. رجال البرقی، ص ۴۱؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰؛ رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

۳. فضل بقباق از اصحاب ثقه امام صادق علیه السلام است (رجال النجاشی، ص ۳۰۸؛ رجال الطوسی، ص ۲۶۸).

۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰؛ الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰.

۵. فهرست الطوسی، ص ۱۱۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۹۴؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۳۴؛ رجال ابن داوود، ص ۷۲ و ۲۳۷.

۶. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۶.

۷. معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۳۲.

۸. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۲۷؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۳۴؛ «تضارب آراء شیخ

طوسی و نجاشی درباره حریز بن عبدالله سجستانی»، ص ۶۸ و ۶۹.

چهار کتاب «الزكاة، الصلاة، الصيام و النواذر» از حریر دانسته شده است که همه از اصول به حساب می‌آیند.^۱ وی در اسناد ۱۳۲۰ روایت وجود دارد.^۲

۱-۲. بررسی و تحلیل

پیشامد اختلاف درباره وثاقت حریر ریشه در اخبار مرتبط با نپذیرفتن وی از سوی امام صادق (ع) دارد و از جایی که دلالت این اخبار بر جرح روشن نیست، بعضی از دانشمندان به گونه‌های مختلف، ضمن نقد دلالت آن اخبار، برای اثبات وثاقتش به گونه‌های زیر سخن گفته‌اند:

الف. ضعف و تضعیف سندی روایات جرح‌آمیز

نجاشی روایت را بدون سند و با صیغه تمریض «رُوی» نقل نموده است که احتمالاً به صحت آن اعتقاد نداشته است.^۳ درباره خبر بقباق نیز آمده است که در خصوص یکی از راویان، محمد بن عیسی تردید وجود دارد.^۴ البته وجود متابع برای خبر بقباق و حسنه بودن آن خبر، تضعیف سندی اخبار جرح‌آمیز را با تأمل مواجه می‌سازد.^۵

ب. تضعیف دلالتی روایات جرح‌آمیز

آنچه از مجموع روایات مرتبط با طرد حریر برمی‌آید، آن‌که امام صادق (ع) حریر را از خود راند و در این جهت وساطت بقباق را هم رد کرد. امام (ع) عدم پذیرش را با موقعیت حریر و شمشیر کشیدن او ارتباط داد.

بر این رفتار امام (ع) تحلیل‌های مختلفی صورت‌گرفته است. بعضی از دانشمندان با توجه به مشروعیت پیکار با خوارج، رفتار امام (ع) را متشابه و دلالتش را بر تضعیف حریر ناوارد دانسته‌اند.^۶ برخی از ایشان این رفتار را همانند رفتارشان با زراره، از باب تقیه و برای حفظ جان حریر دانسته‌اند.^۷ گروهی دیگر روایت طرد حریر را صحیح و دال بر خطای حریر دانسته‌اند که با

۱. الفهرست (ابن ندیم)، ص ۲۷۷، فهرست الطوسی، ص ۱۱۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۳۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۵؛ تضارب آراء شیخ طوسی و نجاشی درباره حریر بن عبدالله سجستانی، ص ۷۴.

۴. خلاصة الأقوال، ص ۱۳۴.

۵. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۲۰۲.

۶. خلاصة الأقوال، ص ۱۳۴؛ رجال ابن داوود، ص ۷۱ و ۲۳۷؛ التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۴، ص ۲۷۳؛ تکملة

الرجال، ج ۱، ص ۳۷۲.

۷. استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، ج ۱، ص ۵۷؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۲۰۲؛ إکلیل

المنهج فی تحقیق المطلب، ص ۱۷۹.

عدالت وی منافات ندارد. ایشان گفته‌اند که خطا و گناه با توبه قابل زوال است و شواهد حاکی است که امام علیه السلام پس از زمانی محدود حریر را بخشید و به حضور پذیرفت.^۱ بر این اساس، حتی اگر رفتار امام صادق علیه السلام با حریر جدی و به سبب خطای او بوده باشد، استمرار حضور حریر در میدان مبارزه تا پایان عمر و شهادت او در این میدان حاوی این نکات است که یا شمشیر کشیدن او از اساس بلاشکال و رفتار امام علیه السلام به سبب تقیه بوده است و یا این که اگر در فرصتی خطا کرده و تنبیه شده و در ادامه مورد بخشش و پذیرش امام علیه السلام واقع گردیده است.

ج. تصریح به توثیق حریر

جز توثیقات خاص شیخ طوسی، علامه حلی و ابن داوود رفتار شیخ صدوق، ابن قولویه و علی بن ابراهیم قمی - که در آثار خود ادعای نقل از ثقات دارند و از حریر هم مکرر نقل کرده‌اند - دلیل بر توثیق عام حریر توسط آنان است.^۲

د. ستایش از حریر با تجلیل از کتاب او

حریر سجستانی از اصحاب اصول معتبر روایی است. مطابق روایت حسنه حماد بن عیسی کتاب صلاة او به تأیید امام صادق علیه السلام رسیده است.^۳ به این دلیل، برخی از مشایخ و فقهای شیعه ضمن پذیرش اعتبار و مرجعیت کتاب حریر، از آن بر جلال شأن وی استفاده نمودند.^۴

۳. عبدالله بن نجاشی

أبو بَجْرِ (ابوالخیر، ابو خدش) عبدالله بن النجاشی بن عثیم أسدی نصری (بصری، نصری) جد هفتم ابوالعباس نجاشی، صاحب رجال است که از سوی منصور عباسی به ولایت داری اهواز رسید.^۵ از تبار و سابقه حضورش در سجستان اطلاع زیادی در دست نیست. گرچه برایش پسوندهای عربی مذکور است، اما آمدن او در ضمن «دهاقین»^۶ اشعار

۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۳۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳؛ کامل الزیارات، ص ۶۶ و ۲۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹ و ج ۲، ص ۹۶ و ۲۰۴.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۸۱.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳؛ مستطرفات السرائر، ص ۵۸۹؛ ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۱، ص ۹؛ تکملة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۳؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۹۸.

۶. دهقان عنوان و مقامی ایرانی و به معنای تاجر بزرگ و کدخد است.

به ایرانی بودن او دارد.^۱

عبدالله در ابتدا زیدی مذهب بوده در سجستان شماری از خوارج بیزاری جوی از امام علی (ع) (هفت یا سیزده نفر) را به قتل رساند. در فرصتی همراه با عمار سجستانی به مدینه رفت و پس از ملاحظه اظهارات ناستوار عبدالله بن حسن - امام زیدیان - در اندیشه وی تحول شد و با عمار در میان نهاد و به دنبال گفتگو با امام صادق (ع) به مذهب جعفری پیوست.^۲

پاره‌ای از گزارش‌ها حاکی است که عبدالله نجاشی با ابن حسن منازعات کلامی مختلفی داشت و از خلال آن گفتگوها به ضعف علمی و دوری عبدالله بن حسن از تعالیم عترت (ع) پی برد. ابن حسن می‌گفت که شیعه میراثی افزون بر دیگران در اختیار ندارد.^۳ در روایتی دیگر آمده است:

ابوالخیر گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم: ابن حسن گمان دارد شما اهل بیت (ع) از داشتن پیشوایی آگاه بی‌بهره‌اید. حضرت (ع) فرمود: چنان نیست. ای ابن نجاشی، به خدا سوگند واقعاً در میان ما کسانی وجود دارند که اخبار در دل و گوش آنان نهاده می‌شود و فرشتگان با آنان ملاقات دارند. پرسیدم: در میان شما؟! تا سه بار پاسخ داد: بلی به خدا سوگند! در بین ما جود دارند.^۴

جریان گرایش ابن نجاشی به امام صادق (ع) با اندک تفاوتی در منابع مختلف وارد شده است. کشی آن را از قول عمار سجستانی با سند متصل و تفصیل بیشتری چنین نقل کرده است:

از سجستان تا مکه همراه عبدالله بن نجاشی بودم. او بر عقیده زیدیه بود. هنگامی که به مدینه رسیدیم، من به محضر امام صادق (ع) شتافته، او نزد عبدالله بن حسن رفت. وقتی که برگشت، او را شکسته‌حال یافتم که در رختخوابش ناآرام بود و آه می‌کشید. گفتم: اباجیر، چه شده است؟ گفت: ان شاء الله هنگام صبح برای من از امام خود اجازه ملاقات بگیر! صبحگاهان بر اباعبدالله (ع) داخل شدم و گفتم: این عبدالله بن نجاشی از من خواسته است تا از شما برایش اذن دخول بگیرم. او بر عقیده زیدیه است. فرمود: بیاید. هنگامی که داخل شد، اباعبدالله (ع) او را نزدیک خود نشانند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۷۶؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۹۷.

۳. كشف الغمة، ج ۳، ص ۴۰۳.

۴. الإختصاص، ص ۲۸۶؛ بصائر الدرجات، ص ۳۳۸.

ابابجیر به امام علیه السلام گفت: فدایت شوم! من همواره به برتری شما اقرار داشته، حق را تنها در شما می بینم. من سیزده نفر از خوارج را کشته ام که شنیدم همه آن ها از علی بن ابی طالب علیه السلام برائت می جستند. امام صادق علیه السلام سؤال نمود: آیا این مسأله را از کس دیگری هم پرسیده ای؟ پاسخ داد: آری از عبدالله بن حسن پرسیدم و او جوابی نداشت. این کارم بر او گران آمد و گفت: تو در دنیا و آخرت گرفتاری. گفتم: خدا تو را اصلاح کند! پس برای چه با مردم درباره علی علیه السلام دشمنی کردیم؟!

اباعبدالله علیه السلام پرسید: ابابجیر! چگونه آن ها را کشتی؟ جواب داد: بعضی از آن ها را از طریق رفتن به پشت بام آنان با نردبان، کشتم ... پس حضرت علیه السلام فرمود: ابابجیر، اگر آن ها را به امر امام کشته بودی، درباره قتل آنان چیزی بر تو نبود؛ ولی تو بر امام سبقت جستی. لازم است که به این سبب سیزده گوسفند در منا ذبح کنی و گوشتش را صدقه دهی، و جز آن چیزی بر تو نیست.

سپس امام صادق علیه السلام از جریان ناگفته ای که برای ابن نجاشی اتفاق افتاده بود خبر داد... عمار گفت: ابوبجیر به من رو کرده، پرسید: این چه سخنی است که آن را به امام علیه السلام منتقل کرده ای؟! پاسخ دادم: به خدا آن را برای هیچ کس نگفتم و او علیه السلام دارد سختم را می شنود. امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابابجیر، عمار چیزی برایم نگفته است. همین که از نزد حضرت علیه السلام خارج شدیم، ابوبجیر به من گفت: عمار، گواهی می دهم که وی عالم آل محمد صلی الله علیه و آله است. آنچه من داشتم باطل بود و وی صاحب امر رهبری است.^۱

برخی گزارش ها حاکی است که ابن نجاشی پس از پذیرش مذهب جعفری و رسیدن به ولایت داری اهواز از جانب منصور عباسی، در تبلیغ مذهب امامی باصلابت ظاهر شده است. او از جمله با شاعر معروف، سید حمیری ارتباطی تنگاتنگ داشت. سید در اشعارش از ابوبجیر به نیکی یاد کرده است. نجاشی از سید درخواست پیوستن به مذهب امامی و سرودن شعر درباره ولایت داشت و حمیری هم پذیرفت.^۲

در کلام رجال شناسان توثیقی نسبت به وی دیده نمی شود؛ جز این که نجاشی از او در سیاقی فخرآمیز یاد کرده است.^۳ نامه های اختصاصی و بی مانند متقابل او و امام صادق علیه السلام و

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲، باختصار: الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶؛ بصائر الدرجات، ص ۲۶۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۲. دیوان السید الحمیری، ص ۷۱، ۱۰۴ و ۱۵۸؛ اخبار السید الحمیری، ص ۱۶۶؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۰۱ و ۲۱۳.

برخورد متواضعانه اش با نامه حضرت (ع) نیز از صلاحیت شخصیت ابن نجاشی حکایت دارد.^۱ علامه حلی و ابن داوود او را در شمار معتمدان آورده‌اند.^۲ امامقانی نیز حسن و معتمد بودن ابن نجاشی را تقویت نموده است.^۳

در مقابل، علامه مجلسی او را ضعیف شمرده است.^۴ خوبی ضمن ذکر شواهد مختلف مرتبط با رجوع نجاشی به مذهب جعفری، نامه امام صادق (ع) به وی و معتمد شمردن او توسط علامه و ابن داوود حلی گفته است:

وثاقت او ثابت نیست. نامه امام (ع) - که متضمن مدح است - به سبب مجهول بودن نوفلی ضعیف است و سخن دو حلی هم که گویی مبنی بر اصالة الصحة است، از نظرم اعتبار ندارد.

او در پایان، بدون ذکر دلیل، نظر علامه مجلسی در ضعف نجاشی را پذیرفته است.^۵ مطابق گزارش‌ها ابن نجاشی پس از ملاحظه ضعف اعتقادی و علمی عبدالله بن حسن و مشاهده علم متفاوت امام صادق (ع) به مذهب دوازده‌امامی پیوست و مکاتباتی با حضرت (ع) داشت.^۶ از جمله این مکاتبات - که به صورت مصنف بی‌مانندی از امام صادق (ع) گزارش شده است - رساله مبسوطی شامل پاسخ‌های آن امام (ع) به سؤالات وی درباره سیرت زمامداران در حوزه امور فردی و اجتماعی است که از آن با عنوان «الأهوازیه»، «رسالة الأهوازیه» و ... یاد شده است.^۷

دیگر مکاتبه، نامه‌ای است که امام صادق (ع) به درخواست یکی از بدهکاران، خطاب به ابن نجاشی به عنوان والی اهواز نوشته است. گزارش نامه این‌گونه است:

نجاشی یکی از دهقانان و فرماندار اهواز و فارس بود. یکی از شهروندان حوزه عمل او به امام صادق (ع) گفت: در دیوان نجاشی بدهی دارم. او فردی باایمان و معتقد به

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ج ۷، ص ۳۷۶.

۲. خلاصة الأقوال، ص ۱۹۷؛ رجال ابن داوود، ص ۱۲۴.

۳. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۰.

۴. الوجيزة فی الرجال، ص ۱۱۱.

۵. معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۳۸۵.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰؛ كشف الریبة عن احکام الغیبة، ص ۸۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰۷.

۷. رجال النجاشی، ص ۲۱۳؛ كشف الریبة عن احکام الغیبة، ص ۸۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰۷؛ الرسائل الرجالية، ج ۲، ص ۳۳۷.

اطاعت از شماست. کاش برابرم نامه‌ای خطاب به او می‌نوشتی! امام علیه السلام خطاب به نجاشی چنین نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم، برادرت را شاد کن تا خدا تو را شاد گرداند. راوی گفت: هنگام ورود صاحب نامه، نجاشی جلسه داشت. وقتی خلوت شد، نامه را تحویلش داد و گفت: این نامه امام صادق علیه السلام است. ابن نجاشی نامه را بوسید و بر چشمانش نهاد و پرسید: چه حاجتی داری؟ گفت: به دیوانت بدهکارم. پرسید: چه مقدار؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی کاتبش را خواند و فرمان داد تا بدهی اش را از او برداشته و در آینده نیز چنان کنند. سپس سؤال نمود: آیا تو را خوشحال کردم؟!^۱

ابن نجاشی راوی امام صادق علیه السلام و عمر بن اذینه و سفیان بن سمط از راویان نجاشی اند.^۲

۱-۳. بررسی و تحلیل

درباره ابن نجاشی نیز رجالیان اختلاف کرده‌اند؛ بعضی او را ضعیف خوانده‌اند و گروهی دیگر وی را ستوده‌اند و یا در موقعیت حسن و معتمد بودن نشانده‌اند. تفصیلی‌ترین بیان در این باره از مامقانی است. او نوشته است:

گرچه در سخن رجالیان شیعه حکم به وثاقت ابن نجاشی دیده نمی‌شود، اما از اظهارات آنان دو قول قابل دریافت است:

۱. ضعف وی که علامه مجلسی در وجیزه آورده است. ظاهراً این داوری به سبب پذیرش ولایت منصور عباسی از سوی اوست که در این باره اجازه‌ای از امام صادق علیه السلام نیز دیده نمی‌شود.

۲. حسن و معتمد بودن او - که از یادکرد ابوالعباس نجاشی از عبدالله، اظهارات علامه حلی و ابن داوود درباره‌اش برداشت می‌شود - شواهد این قول مراجعت او به تشیع امامی و وجود ستایش‌هایی است که او را در ضمن افراد حسان قرار داده و سبب وثوق به اخبارش می‌شود. روایت عمار سجستانی در تغییر مذهب او، روایت نوفلی مبنی بر اضطراب او در پذیرش زمامداری اهواز، سؤال و جوابش با امام صادق علیه السلام و زاهدخواندن او توسط شیخ طوسی در همین جهت قابل ذکر هستند.

مامقانی در پایان جمع‌بندی مناسبی کرده است:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۳۵؛ بصائر الدرجات، ص ۴۰۳.

... از آنچه ذکر شد، فهمیده می‌شود که او از رجال حسان و معتمد بوده است. قطعاً رفتار علامه حلی و ابن داوود - که او را در شمار رجال مورد اعتماد آورده‌اند - صحیح و آنچه در ضعفش آمده، خطاست.^۱

قول به ضعف ابن نجاشی به دلایلی قابل مناقشه است. اگر درباره اش سخن از توثیق وجود ندارد، حکم به تضعیف توسط متقدمان نیز نیامده است. رجوع ابن نجاشی به مذهب حق، مکاتبات او با امام صادق (ع)، ستایش شیخ طوسی از وی، داوری رجالیان حلی و وجود تردید در سلامت عبارت نسخه الوجیزه مجلسی در تضعیف او، اگرچه در اثبات وثاقتش ناتمام است، دست کم سبب حسن و معتمد بودن وی می‌شود. ضمناً عبدالله نوفلی - که مجهول خوانده شده است - نزد اهل سنت مقبول بوده، از رجال ترمذی و راوی مناقب اهل بیت (ع) است.^۲

۴. مبانی نظری تحقیق

شریعت اسلام مبتنی بر پاره‌ای مبانی و دارای برخی ضوابط است که حرکت در چارچوب آن موجب تأمین صلاح و سعادت است و تخطی یا بی‌مبالاتی، اسباب ناکامی و فساد را فراهم می‌آورد. درباره موضوع بحث، گفتنی است که توجه به موقعیت اهل بیت (ع) و رعایت چارچوب صحیح تعامل با آنان مهم و ضروری می‌نماید. برخی از مبانی و مقررات به قرار زیر هستند:

۴-۱. حرمت نصب و دشنام به اهل بیت (ع)

همان‌گونه که حبّ اهل بیت (ع) شرط ایمان است، دشمنی با آنان نشان از کفر دارد. لذا سبّ پیامبر (ص) جرم، سبب ارتداد و هدر بودن خون فرد دانسته شده است.^۳ برای سبّ امامان و دیگر انبیا (ع) نیز حکم قتل آمده است.^۴ بعضی گفته‌اند:

حتی کسی که امامی عادل را سب کند نیز باید کشته شود.^۵

۱. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۱۷.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۲۶۷؛ الانتصار، ص ۴۸۰؛ المجموع، ج ۱۹، ص ۴۲۶.

۴. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ص ۴۲۸؛ المختصر النافع، ص ۲۲۱؛ شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۹۴۸.

۵. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۴۴.

اقدامات حرز سجستانی و عبدالله بن نجاشی در پیکار با خوارج نمونه‌هایی از عمل به این حکم شرعی‌اند.

۲-۴. ضرورت استیذان از حاکم شرعی در امر قتل

بی‌گمان امر به معروف و نهی از منکر واجباتی هستند که عمل به آن موجب برپایی دیگر فرایض می‌شود. البته عمل به این فرایض شرایط و مراتبی دارد. در حدیث آمده است:

... من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه فإن لم یستطع فبقلمه و ذلک أضعف الإیمان.^۱

با این وجود، در صورت تأثیر داشتن مرتبه پایین‌تر امر و نهی، نوبت به مرتبه بالاتر نمی‌رسد. از سوی دیگر، اقدام به این واجبات، مستلزم شناخت معروف و منکر و داشتن مجوز برای ورود به مراتب سخت‌تر آن، مخصوصاً قتل نفس است. لذا برای دست‌یابی به آثاری مطلوب، استیذان از ولی شرعی ضرورت دارد.^۲

براین اساس، امام صادق علیه السلام از حرز انتظار استیذان داشت و در قالبی گلایه‌آمیز فرمود: او مملوک ماست؟ شمشیر کشید! ^۳ به ابن نجاشی نیز گفت: اگر آنان را به فرمان امام کشته بودی، چیزی بر تو نبود. ^۴ امام علیه السلام اضافه کرد که ابن نجاشی برای کفاره این خودسری‌ها برای هرقتل، یک قربانی انجام دهد. این رفتار امام علیه السلام بر ضرورت استیذان و قربانی دادن ظهور دارد.

با این وجود، فقها درباره این استیذان و قربانی اختلاف کرده‌اند. مجلسی اول گفته است: ظاهراً این قربانی استحبابی است.^۵

علامه مجلسی نیز نوشته است:

هیچ‌یک از فقهای ما قایل به وجوب این کفاره و بلکه وجوب استیذان از امام در این زمینه نیست. شاید این دو مستحب باشند.

صاحب شرایع گوید:

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۰.

۲. المقنعة، ص ۸۰۹؛ شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۲۵۹؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۱؛ تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۴۸۱.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰.

۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

۵. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

قتل سبّ النبی (ص) بر شنونده، مادامی که ترس ضرر بر خود، مال و یا دیگر مؤمنان نداشته باشد رواست. همین گونه است حکم کسی که سبّ امامان (ع) کند.

در مسالک آمده است:

این حکم انفاقی و دارای شواهد روایی است.^۱

محقق بحرانی گفته است:

وجوب استیذان برای قتل سبّ کننده امیرالمؤمنین (ع) باید مربوط به زمان حضور معصوم (ع) باشد. آنچه از سخن بزرگان شیعه فهمیده می شود وجوب قتل سبّ، بدون ارتباط با دیه مقتول به طور کلی است.^۲

در دوره معاصرو در پناه حکومت اسلامی نیز ملاحظه مراتب امر به معروف و نهی از منکر و واگذاری امر مراتب نیازمند به اعمال قدرت به حاکمیت مورد نظر است.^۳ به هر حال، به نظر می آید که استیذان از ولی شرعی درباره قتل لازم است.

۳-۴. ضرورت حفظ شیعه در برابر مخاطرات

شیعه به حکم شریعت، همواره در برابر زمامداران ستم گرو جریانات انحرافی موضع داشته است. با این وجود، بقای جماعت شیعه - که عموماً در اقلیت بوده است - تنها در پناه تدابیر امامان (ع) میسر شده است. از جمله این جریانات انحرافی جریان قشری گرای خوارج است که برخلاف بسیاری از گروه های معاند، علاوه بر منازعه با شیعه، با حاکمان نیز در ستیز بوده اند. لذا مسأله مقابله شیعه با این جماعت با ملاحظاتی خاص دنبال شده است. جریان خارجی گری نگرش متفاوتی به دین و دولت داشت. امام علی (ع) در ایام حاکمیت خود، با ایشان، مادامی که برای شهروندان مشکل ساز نبودند، مدارا نمود و پس از مقابله با آنان، به این اقدام خود مباهات هم نمود. سبب این مماشات آن بود که امام (ع) ترسناک ترین فتنه ها را نه فتنه خوارج، بلکه فتنه امویان می دانست.^۴

حضرت (ع) پس از درهم شکستن جمع و جماعت خارجیان درباره رفتار با آنان

۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۲۲۴.

۲. الشهاب الثاقب فی بیان معنی الناصب، ص ۲۶۲.

۳. پایگاه: WWW.KHAMENELI.IR، استفتائات ۱۰۵۴ و ۱۰۶۴، تاریخ بازدید، ۱۳۹۸/۵/۱.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۳۷.

سفارش‌های متفاوتی داشت. او علیه السلام که می‌دانست خوارج به قدرت نخواهند رسید و از سویی پیکار شیعه با آنان، هم برای شیعیان هزینه دارد و هم به سود زمامداران ستم‌گرم تمام می‌شود، مقابله با ایشان را مشروط به ستیز آنان با امامان عادل دانست^۱ و در توضیح سبب گوناگونی رفتار با خوارج فرمود:

حکم کسی که در پی حق باشد و خطا کند، با آن‌که آگاهانه به دنبال باطل است، برابر نیست.^۲
 امام حسن علیه السلام نیز در پاسخ به درخواست معاویه مبنی بر پیکار با خوارج فرمود:
 اگر بخواهم با اهل قبله مقابله کنم، تو اولی به نبرد هستی!^۳

مطابق گزارشی دیگر فرمود:

برای صلاح و الفت مسلمانان جنگ با تو را رها کردم. مرا پنداری که در معیت تو
 پیکار کنم؟!^۴

براین اساس، نبرد با خوارج مشروط و تابع رعایت ملاحظات چون حفظ شیعه و سودنبردن زمامداران ستم‌گرا از این مقابله بوده است؛ اموری که درباره مقابله حریز و ابن نجاشی با خوارج قابل تأمل می‌نمایند.

۴-۴. همراهی امام صادق علیه السلام با جهاد مجاهدان

بی‌گمان، معصوم علیه السلام از افقی برتر به حوادث می‌نگریسته و مناسب‌ترین مواضع را در هر موقعیتی اتخاذ می‌کرده است. گرچه امام صادق علیه السلام جهاد علمی فرهنگی را در صدر اقدامات خود قرار داده است، اما از پشتیبانی از مبارزات عملی مجاهدانی که در پی امر به معروف و نهی از منکر جان خود را در معرض خطر گذاشته بودند نیز غفلت نورزیدند.

امام علیه السلام در مواردی اقدامات مسلحانه یاران خود را - که عموماً بر ضد امویان بود - تأیید نمودند. ایشان علیه السلام با پذیرش قیام مسلحانه زید بن علی علیه السلام اقدامات مسلحانه همراهانش چون حفص بن سالم حنات و سلیمان بن خالد را هم تأیید کردند.^۵ لذا رجالیان هم آنان را

۱. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

۲. نهج البلاغه، ص ۹۴.

۳. أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۱۶۳.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۴؛ علی و الخوارج، ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.

۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ کفایة الأثر، ص ۳۰۶.

توثیق و ستایش نموده‌اند.^۱

از ظاهر رفتار امام صادق (ع) با ابن نجاشی نیز چنین برمی‌آید که حضرت (ع) اقداماتش را در قتل خوارج تأیید ضمنی، ولی تصحیح نمود.

۵. طرد حریز و پذیرش ابن نجاشی از سوی امام صادق (ع) در یک نگاه

حریز پس از قیام مسلحانه در سجستان با طرد امام صادق (ع) مواجه شد^۲ و وساطت‌های فضل بقباق برای پذیرش او نیز بی‌فایده بود. بقباق درباره میزان مناسب مجازات مملوک از سوی ارباب پرسید و هنگامی که از امام (ع) از تناسب کیفر و گناه شنید، گفت: شما حریز را بیش از گناهش مجازات نموده‌اید. حضرت (ع) ضمن انکار، رفتار حریز را تخطئه کرد و طرد او را به سبب خروج مسلحانه دانست. ضمناً بقباق را نیز به سبب اصرار بر پذیرش حریز توبیخ نمود.^۳

ابن نجاشی نیز پس از قتل شماری خارجی به مدینه رفت و هنگام ناامیدی از اظهارات امام زیدیان با وساطت عمار سجستانی به حضور امام صادق (ع) رسید و از اقداماتش در قتل و کیفیت قتل خوارج گفت. امام (ع) ضمن گوشزد کردن لزوم استیذان، راه جبران این اقدام خودسرانه را در قربانی دادن دانست.^۴

از ظاهراین گزارش‌ها استفاده می‌شود که هم حریز و هم ابن نجاشی بدون اذن ولی شرعی به قتل خوارج پرداخته‌اند. امام (ع) حریز را طرد، ولی ابن نجاشی را راهنمایی نمود. همچنین برمی‌آید که هر دو در صدد عمل به تکلیفی شرعی و حکمی اولیه و غافل از حکم ثانوی اجازه از ولی شرعی بوده‌اند.

۶. دلایل تفاوت رفتار امام صادق (ع) با حریز

با توجه به این‌که بی‌گمان رفتار معصوم (ع) خالی از حکمت نیست، اسباب تفاوت رفتار

۱. رجال النجاشی، ص ۱۳۵ و ۱۸۳؛ رجال الطوسی، ص ۲۱۵؛ الفهرست، ص ۱۱۷؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۲۷؛ تکملة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۴ و ۴۵۱.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰.

۴. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ بصائر الدرجات، ص ۲۶۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

امام علیه السلام و برخورد تند با حریرزا باید در موارد زیر جستجو نمود:

۱-۶. حفظ حریر و تقیه

تقیه به معنای همراهی ظاهری مؤمنان با خصم و به عنوان اقدامی حفاظتی در دوران امام صادق علیه السلام به طور خاص مورد استفاده و سفارش بوده است. این تدبیر قرآنی^۱ در هنگام خطر، قَلَّتْ و ضعف مؤمنان نقش بی مانندی در حفظ جماعت شیعه داشته است. در مقاطعی از دوران پرمخاطره ابوعبدالله صادق علیه السلام حتی توجه و سلام به امام علیه السلام خطرناک بوده است. لذا برخی اصحاب از حضرت علیه السلام فاصله می گرفته اند تا سبب ایجاد دشواری برای امام علیه السلام نشوند.

کلینی ۳۹ حدیث در باب تقیه، کتمان و سفارش به آن دو آورده است؛^۲ از جمله حماد لحام گفته است:

در اثنای راهی مقابل امام صادق علیه السلام واقع شدم. صورتم را برگرداندم و گذشتم. سپس بر امام علیه السلام وارد شده، گفتم: فدایت گردم! مقابل شما واقع می شوم، ولی صورتم را برمی گردانم تا برایتان مشکلی پیش نیاورم. امام علیه السلام فرمود: خداوند تو را رحمت کند! دیروز فردی در فلان مکان با من روبه رو شد و «علیک السلام یا اباعبدالله» گفت. کار خوبی نکرد.^۳

گاهی اوقات هم امام علیه السلام از برخی اصحاب خاص اعراض یا حتی بدگویی کرده است تا از آسیب بدخواهان در امان بمانند.

عبدالله بن زراره گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: سلام مرا به پدرت برسان و به او بگو که من تنها برای دفاع، از تو بد می گویم؛ زیرا بدخواهان به سوی هر کس که او را به خود نزدیک کرده، موقعیتش را می ستاییم، می شتابند تا به آنان اذیت رسانند؛ چون او را دوست داریم و نزدیک ماست، به وی اتهام می زنند، قصد اذیت و قتلش را می کنند و هر کس را که ما بد گوئیم می ستایند. عیبت را گوئیم؛ زیرا به جهت ما مشهور شده و مملوک مایی و به این دلیل که ما را دوست و به ما میل داری، پیش

۱. سوره نحل، آیه ۱۰۶؛ سوره غافر، آیه ۲۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

دیگران مذموم و ناستوده‌ای. خواستم عیبت را گویم تا به این سبب تو را بستایند و به این صورت، شرّ آنان از تو دفع شود؛ همانند جریان کشتی افراد مسکینی که قرآن گفته است و حضرت خضر (ع) آن را برای در امان ماندن معیوب ساخت ... در مثال دقت کن! به خدا سوگند در دنیا و آخرت محبوب‌ترین مردم پیش من و پدرم هستی...^۱

برهمین اساس، برخی از فقیهان و رجالیان، طرد حریر را از سوی امام صادق (ع) ز باب تقیه دانسته‌اند. علامه مجلسی گفته است:

شاید امام (ع) همانند رفتار با زراره به سبب تقیه و جهت جرأت نیافتن حریر بر تکرار آن رفتار، از پذیرش وی خودداری نمود.^۲

با توجه به مشروعیت اقدام حریر، فضای حاکم و پیامدهای شهرت امام صادق (ع) و یارانشان به اقدامات مسلحانه، استفاده حضرت (ع) از عنصر تقیه در جریان حریر بی‌وجه نیست. این محذور برای امام (ع) درباره ابن نجاشی نبوده است.

از اخبار نجاشی و بقباق درباره عدم پذیرش حریر از سوی امام صادق (ع) برمی‌آید که یا ایشان (ع) تقیه کرده‌اند و یا با کارزار با خوارج در آن شرایط مخالف بوده‌اند. در صورت ناوارد دانستن احتمال تقیه، اسباب تفاوت رفتار حضرت (ع) باید در موارد زیر جست‌وجو شود:

۲-۶. تفاوت مذهبی حریر و ابن نجاشی

یکی از دلایل احتمالی تفاوت رفتار امام (ع) با ابن صحبایان تفاوت مذاهب ایشان است. حریر متعلق به خاندانی با سابقه، اهل علم و از اصحاب برتر امام صادق (ع) است؛ اما ابن نجاشی دهقانی زیدی مذهب بوده است.^۳

جهاد و مبارزه مسلحانه جایگاهی اساسی در مذهب زید دارد. زید بن علی (ع) گفته بود:

هر کس دنبال جهاد است، پیش من آید و هر کس در پی علم است، نزد برادرزاده‌ام جعفر رود.^۴

ابن نجاشی همراه با عمار سجستانی راهی مدینه بود و در آنجا بر امام زیدیان وارد شد.

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳۵۲.

۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص ۲۰۲.

۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

۴. کفایة الأثر، ص ۳۰۶.

دغدغه‌اش را درباره قتل خوارج با او در میان گذاشت و هنگامی که پاسخ مناسبی دریافت نکرد، سرخورده شد و آن را با عمار سجستانی در میان گذاشت و به حضور امام صادق علیه السلام رسید. امام علیه السلام پس از بررسی جوانب امر او را برای جبران رفتارش راهنمایی کرد.^۱ به این ترتیب، ابن نجاشی مطابق مذهب خود صحیح عمل نموده است. درباره مستبصران آمده است که اگر آنان مطابق مذهب قبلی خود عمل کرده باشند، عمل آنان صحیح بوده جز درباره زکات، لازم به اعاده نیست.^۲ به نظر می‌رسد همان‌گونه که امام صادق علیه السلام با وجود زمینه برای ورود به اقدامات مسلحانه جهاد زیربنایی علمی و فرهنگی را ترجیح دادند، از یاران خود نیز چنان انتظاری داشتند؛ به ویژه آن‌که در مذهب جعفری ورود به مرتبه یدی امر به معروف و نهی از منکر نیاز به استیذان از معصوم علیه السلام داشته است. لذا حرزبدان جهت که بدون اذن امام علیه السلام شمشیر کشیده بود، مورد طرد حضرت علیه السلام قرار گرفت.

۳-۶. تفاوت مقام فقاہتی و اختصاص حرز

شواهد نشان می‌دهند که حرز، فقیهی تراز اول و از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام بوده است.^۳ صحیحہ حماد بن عیسی مبنی بر تأیید اصل صلات حرز و اهتمام صدوق و دیگر فقیهان به آن، دلیل مقام برتر فقیهی اوست.^۴ این موقعیت حرز برای ابن نجاشی نبوده است. لذا انتظاری که از حرز با آن موقعیت علمی و آن‌هم در منطقه‌ای که شیعه در اقلیت بوده می‌رفته است، از ابن نجاشی نمی‌رفته است. سخن از مملوکیت حرز برای امام علیه السلام نشان از موقعیت خاص حرز و نگرانی حضرت علیه السلام براو و یارانش از پیامدهای این اقدامات دارد؛ یعنی همان سرنوشتی که در ادامه برایشان رقم خورد و همه یک جا در مسجد به شهادت رسیدند!^۵

وقتی ملاحظه گردد که این هزینه برای مبارزه با خوارج به عنوان جریانی مخالف حکومت جائران پرداخت شده است، بلند نظری امام علیه السلام آشکارتر می‌شود.

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۵۴۶؛ ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲، ص ۴۳۲؛ الرسائل العشر، ص ۱۹۷؛ المعتمد، ج ۲، ص ۷۶۵.

۳. رجال ابن داوود، ص ۲۳۷.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۵. الإختصاص، ص ۲۰۷.

۴-۶. تفاوت منطقه حضور و فعالیت حریزو ابن نجاشی

گزارش‌های مرتبط نشان می‌دهند خوارج که همواره با حاکمان در ستیز و تحت تعقیب بوده‌اند، در مناطق مختلف ایران از جمله کرمان، خراسان و سجستان حضور داشته‌اند. این حضور در برخی نواحی سجستان، مانند ناحیه فعالیت حریز پررنگ و شیعه امامی در اقلیت بوده است. مطابق پاره‌ای از گزارش‌ها مذهب غالب در سجستان مذهب حنفی بوده است. خوارج نیز حضور قابل توجهی در این منطقه داشته‌اند. این حضور در برخی نواحی آن چون کرکویه غالب بوده است.^۱ با توجه به استعمال مشترک سجستان بر کل اقلیم و بر مرکز یا بعضی از نواحی آن، ممکن است مراد شیخ مفید از غلبه خوارج در سجستان، کرکویه یا ناحیه‌ای دیگر از سجستان بوده باشد.

به سبب غلبه جمعیتی خوارج در برخی نواحی سجستان مبارزه حریزو شیعیان با آنان در این نواحی می‌توانسته است به ضرر شیعه تمام شود. از سوی دیگر، از زیدی بودن نجاشی برمی‌آید که او در جریان مبارزه با خوارج ارتباطی با حریز و فتوای او در قتل دشنام‌گویان نداشته است. محتمل است وی در منطقه‌ای فعالیت می‌کرده است که برخلاف منطقه حضور حریز، شیعیان در آنجا حضوری متفاوت و احياناً پررنگ‌تر داشته‌اند. لذا خوف از بین رفتن شیعه به سبب مبارزه با خوارج نمی‌رفته است.

۷. نتیجه

۱. برآیند اخبار و گفتار رجالیان، وثاقت حریز بن عبدالله سجستانی است؛ اما اقوال و شواهد، حداکثر ممدوح و حسن بودن ابن نجاشی را اثبات می‌کنند.
۲. این‌که رفتار امام صادق (ع) با حریز از باب تقیه و برای حفظ وی بوده است، نمونه‌های متعدد و متابعاتی در تاریخ تشیع دارد.
۳. اگر احتمال تقیه، منتفی تلقی شود، راز تفاوت رفتار امام (ع) باید در جهات زیر جسته شود:

الف. جعفری بودن حریز از آغاز و زیدی بودن ابن نجاشی،

ب. برجستگی فقهی و جایگاه ویژه حریز،

ج. کمی جمعیت شیعه در منطقه حضور حریز و ضرورت دقت عمل بیشتر.

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰.

کتابنامه

قرآن کریم

- اخبار السيد الحميري، محمد بن عمران مرزبانی خراسانی، تحقيق: محمد هادي اميني، بيروت: شركة الكتبي للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، ١٤١٣ق.
- الإختصاص، محمد بن محمد مفيد، تحقيق: علي اكبر غفاري، سيد محمود زرندي، بيروت: دارالمفيد، الطبعة الثانية ١٤١٤ق.
- إختيار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: سيد مهدي رجالي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤٠٤ق.
- إستقصاء الإعتبار في شرح الإستبصار، محمد بن حسن، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٩ق.
- اعيان الشيعة، محسن أمين عاملي، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، بي تا.
- إكليل المنهج في تحقيق المطلب، محمد جعفر خراساني كرباسي، تحقيق: جعفر حسيني اشكوري، قم: دارالحديث للطباعة والنشر، الطبعة الأولى، ١٤٢٥ق.
- إكمال الكمال، علي بن هبة الله بن ماکولا، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا.
- الإنتصار، علي بن حسين موسوي، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٥ق.
- أنساب الأشراف، احمد بن يحيى بلاذري، تحقيق: محمد حميد الله، مصر: معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية بالاشتراك مع دارالمعارف، ١٩٥٩م.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن فروخ صفار، تحقيق: ميرزا حسن كوجه باغي، تهران: منشورات أعلمی، ١٤٠٤ق.
- تاج العروس، محمد مرتضى زبيدي، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر والتوزيع، ١٤١٤ق.
- تاريخ سيستان، ناشناس، تحقيق: ملك الشعراء بهار، تهران: مؤسسه خاور، ١٣١٤ش.
- تحرير الوسيلة، روح الله خميني، النجف: دارالكتب العلمية، الطبعة الثانية، ١٣٩٠ق.
- تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، قم: مؤسسة دارالكتاب للطباعة والنشر، الطبعة الثالثة، ١٤٠٤ق.
- تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالكتب العلمية، الطبعة الثانية، ١٤١٥ق.

- تکملة الرجال، عبدالنبي كاظمي، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، قم: انوار الهدى، ١٤٢٥ق.
- التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، مقداد بن عبدالله سيوري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٤ق.
- تنقيح المقال في علم الرجال، عبدالله مامقاني، (چاپ رحلی)، بی جا، بی نا و بی تا.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة، ١٣٦٥ش.
- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ق.
- جامع الرواة، محمد علی أردبیلی، بی جا: مكتبة المحمدي، بی تا.
- الجرح والتعديل، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، ١٣٧١ق.
- جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، تحقيق: عباس قوچانی، طهران: دارالکتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ١٣٦٥ش.
- خلاصة الأقوال، حسن بن يوسف حلی، بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق.
- ديوان السيد الحميري، حميري، بی نا، بی جا و بی تا.
- ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، محمد باقر محقق سبزواری، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بی تا.
- ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، محمد بن جمال الدين مكى عاملی، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٩ق.
- رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داوود حلی، النجف: منشورات مطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ق.
- رجال النجاشي، احمد بن علی نجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعة المدرسين، الطبعة الخامسة، ١٤١٦ق.
- الرجال، احمد بن محمد برقي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تصحيح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ اول، ١٤١٥ق.

- الرسائل الرجالية، محمد بن محمد كلباسى، تحقيق: محمد حسين درايتى، قم: دارالحدیث، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ق.
- الرسائل العشر، محمد بن حسن طوسى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، بی تا.
- روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، تحقيق: حسين موسوى و على پناه اشتهاردى، تهران: بنياد فرهنگ اسلامى حاج محمد حسين كوشانيپور، بی تا.
- سكه هاى ايران در دوره اسلامى تا برآمدن سلجوقيان، حسن رضايى باغيدي، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
- شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، جعفر بن حسن حلى، طهران: انتشارات استقلال، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق.
- شرح نهج البلاغة، عزالدين بن ابن ابى الحديد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- الشهاب الثاقب فى بيان معنى الناصب، يوسف بن احمد بحراني، تحقيق: سيد مهدى رجايى، قم: محقق، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، بيروت: دارالفكر، بی تا.
- على و الخوارج، سيد جعفر مرتضى حسینی عاملى، بيروت: المركز الإسلامى للدراسات، الطبعة الأولى، ۱۴۲۳ق.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على صدوق، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- غنية النزوع إلى علمى الأصول و الفروع، حمزة بن على حلبى، تحقيق: ابراهيم بهادرى، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.
- الفهرست، محمد بن النديم، تحقيق: رضا تجدد، بی تا، بی نا.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الإسلامىة، چاپ سوم تا پنجم، ۱۳۶۲-۱۳۶۷ش.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.

- كشف الربية عن احكام الغيبة، زين الدين عاملى شهيد ثانى، تهران: انتشارات مرتضوى، الطبعة الرابعة، ۱۳۷۶ش.
- كشف الغمة فى معرفة الائمة، على بن ابى الفتح إربلى، بيروت: دارالأضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ق.
- كفاية الأثر، على بن محمد خزاز قمى، تحقيق: عبداللطيف حسينى كوهكمري، قم: انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.
- كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، على بن حسام الدين متقى هندی، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- المجموع، محيى الدين بن شرف نووى، شرح المهذب، بيروت: دارالفكر، بی تا.
- المختصر النافع، جعفر بن حسن حلى، طهران: قسم الدراسات الإسلامية فى مؤسسة البعثة، الطبعة الثالثة، ۱۴۱ق.
- مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول ﷺ، محمد باقر مجلسى، تحقيق: هاشم رسولى، تهران: دارالكتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.
- مستطرفات السرائر، محمد بن احمد ابن ادريس حلى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية، ۱۴۱۱ق.
- المعتبر، جعفر بن حسن حلى، تحقيق: جمعى از فضلا با اشراف ناصر مكارم شيرازى، قم: مؤسسة سيد الشهداء عليه السلام، ۱۳۶۴ش.
- معجم البلدان، ياقوت حموى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۳۹۹ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويى، بی جا، بی نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- المقنعه، محمد بن محمد مفيد، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، بی تا، الطبعة الثانية.
- نهج البلاغه، تحقيق: صبحى صالح، بی نا، بيروت، الطبعة الأولى، ۱۳۸۷ق.
- الوجيزة فى الرجال، محمد باقر مجلسى، تحقيق: محمد كاظم رحمان ستايش، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسى، دبیرخانه، بخش انتشارات، ۱۴۲۰ق.

- وسایل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.
- «تضارب آراء شیخ طوسی و نجاشی درباره حریر بن عبدالله سجستانی»، مهدی بیات مختاری، مجله مطالعات اسلامی، علوم قرآن و حدیث، ش ۳/۸۷، ۱۳۹۰ش.
- پایگاه: WWW.KHAMENEI.IR، سید علی، خامنه‌ای.